

## مدل‌یابی معادلات ساختاری تأثیر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بر گرایش به روابط فرازناشویی با نقش میانجی‌گر هویت «من» در زوجین

### Structural Equation Modeling of The Psychological Flexibility Effect on Tendency to Extramarital Relationship to Mediate Ego Identity

<https://dx.doi.org/10.52547/JFR.18.2.237>

**K. Nazinejad, M.A.**

Department of Counseling, University of Shahid Bahonar,  
Kerman, Iran

**A. Rahmati, Ph.D.**

Department of Counseling, University of Shahid bahonar,  
Kerman, Iran

✉ کوثر نازی‌نژاد

گروه مشاوره، دانشگاه شهید باهنر کرمان

دکتر عباس رحمتی

گروه مشاوره، دانشگاه شهید باهنر کرمان

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۳

دریافت نسخه اصلاح شده: ۱۴۰۱/۳/۳۰

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۴/۲۷

#### Abstract

This study is conducted with the goal of investigating the impact of psychological flexibility on the tendency towards extramarital affairs with the mediating role of ego Identity. This study is a structural equation modeling correlational research; the statistical population of the study was all of the couples in Birjand.

#### چکیده

پژوهش حاضر با هدف تأثیر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بر گرایش به روابط فرازناشویی با نقش واسطه‌ای هویت من انجام گرفت. پژوهش حاضر، پژوهش همبستگی و از نوع مدل‌سازی معادلات ساختاری بود؛ جامعه آماری پژوهش کلیه زوجین شهر بیرجند بود. روش نمونه‌گیری به صورت دردسترس بود و تعداد نمونه شامل ۱۹۲ زوج (۳۸۴ نفر) بود.

✉ Corresponding author: Department of Counseling, University of Shahid bahonar, Kerman, Iran  
Email: [kousarnazinejad@yahoo.com](mailto:kousarnazinejad@yahoo.com)

✉ نویسنده مسئول: کرمان، دانشکده روان‌شناسی و مشاوره، گروه مشاوره  
پست الکترونیکی: [kousarnazinejad@yahoo.com](mailto:kousarnazinejad@yahoo.com)

The sampling method was available and the number of samples included 192 couples (384 people). The questionnaires that were considered for collecting information from the sample group were: Attitude towards Watley's Extramarital Relationships (2006), Dennis, Vendoral's Cognitive Flexibility Questionnaire (2010) and The second version of the Extended Objective Questionnaire on the Identity of ego Identity, Benion and Adams (1986). Structural equation model (SEM) was used for statistical analysis of data. The results have confirmed the direct effect of psychological flexibility on the tendency towards extramarital relationships, the direct effect of psychological flexibility on ego Identity and the direct effect of ego Identity on the tendency towards extramarital relationships. The results have confirmed the indirect effect of the psychological flexibility variable through ego Identity on the tendency towards extramarital relationships ( $P < 0/01$ ). Therefore, psychological flexibility and ego Identity have many practical implications in research, and the treatment of tendency towards extramarital relationships.

**Keywords:** Psychological Flexibility, Tendency to Extramarital Relationships, ego Identity.

پرسش‌نامه‌هایی که جهت جمع‌آوری اطلاعات از گروه نمونه در نظر گرفته شدند عبارت بودند از: پرسش‌نامه نگرش به روابط فرازناشویی واتلی (۲۰۰۶)، پرسش‌نامه انعطاف‌پذیری شناختی دنیس و وندورال (۲۰۱۰) و نسخه دوم پرسش‌نامه عینی گسترش‌یافته منزلت هویت من بنیون و آدامز (۱۹۸۶). برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها از مدل معادلات ساختاری (SEM) استفاده شد. بر اساس نتایج، اثر مستقیم انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بر گرایش به روابط فرازناشویی، اثر مستقیم انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بر هویت من و اثر مستقیم هویت من بر گرایش به روابط فرازناشویی مورد تأیید قرار گرفت. طبق نتایج، اثر غیرمستقیم متغیر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی از طریق هویت من بر گرایش به روابط فرازناشویی مورد تأیید قرار گرفته است ( $P < 0/01$ ). بنابراین، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و هویت من تلویحات کاربردی فراوانی در زمینه‌های پژوهشی و درمان گرایش به روابط فرازناشویی دارد.

**کلیدواژه‌ها:** انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، گرایش به روابط فرازناشویی، هویت من

## مقدمه

ازدواج پیمان مقدسی است که از طریق آن خانواده شکل می‌گیرد و خانواده اولین سازمان اجتماعی است که فرد در آن زندگی می‌کند و اساساً یک کانون کمک، تسکین، التیام و شفابخش است و همچنین کانونی است که باید فشارهای روانی وارد شده بر اعضای خود را تخفیف دهد و راه رشد و شکوفایی آنها را هموار کند (گلدنبرگ و گلدنبرگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). عوامل مختلفی بر پایداری و ناپایداری ازدواج اثر می‌گذارند. یکی از این عوامل وجود روابط فرازناشویی می‌باشد. داشتن روابط فرازناشویی موضوعی است که زوج‌درمانگران به صورت منظم در کارهای بالینی‌شان با آن مواجه می‌شوند و می‌تواند تجربه‌ای گیج‌کننده و دردناک برای همه کسانی

باشد که با آن درگیرند، افزون بر این، روابط فرازناشویی یکی از دلایل عمده طلاق و از هم‌پاشیدن ازدواج است (گلاس و رایت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷؛ به نقل از اسپیکلفورد<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸). روابط فرازناشویی شامل برقراری ارتباط جنسی یک فرد متأهل با جنس مخالف، خارج از چهارچوب خانواده (غیر از همسر) است (کاو، ۱۳۸۳). روابط فرازناشویی نوعی رابطه عاطفی، جنسی و یا عاطفی - جنسی با فردی غیر از همسر است که از همسر پنهان می‌شود و ویژگی اصلی آن رازگونه بودن است (جانسون<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴). در ایالات متحده بیشتر افرادی که در حال ازدواج هستند، انتظار دارند که تک‌همسری باشند و میزان مخالفت با روابط جنسی فرازناشویی بالاست (جانسون و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲)، با وجود این، حدود ۳۴ درصد از مردان و ۱۹ درصد زنان در گروه‌های بزرگسال، درگیر شدن در روابط جنسی فرازناشویی را در مرحله‌ای از زندگی‌شان گزارش می‌کنند (ویدرمن<sup>۶</sup>، ۱۹۹۶). روابط فرازناشویی همیشه موجب ضربه شدید احساسی به طرفین می‌شود. این نوع رابطه باعث بروز احساساتی مانند افسردگی، خشم، ناامیدی، عدم اعتماد به نفس، از دست دادن هویت و احساس بی‌ارزشی در همسری می‌شود که به او خیانت شده است (امرزو و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲). خیانت زناشویی همچنین باعث بروز احساس تردید، افسردگی و احساس گناه در همسری می‌گردد که خیانت کرده است (بوکام و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۰۹). بررسی پیشینه پژوهش در زمینه عوامل مرتبط با روابط فرازناشویی نشان می‌دهد که به‌طور کلی این عوامل در سه حیطه تفاوت‌های فردی (مانند ویژگی‌های شخصیتی و نگرش‌ها)، ماهیت رابطه (مانند سطح تعهد و رضایت از رابطه) و شرایط محیطی (مانند فرصت خیانت یا جذابیت شخص سوم) گنجانده می‌شود (وین درمن و هیورد<sup>۹</sup>، ۱۹۹۹؛ فریکر<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۶). با توجه به اینکه این نوع روابط حالت رازگونه دارد، این ویژگی رازگونه‌گی در پیمان‌شکنی به پریشانی‌هایی در زوجین پنهانکار منجر می‌شود که تحمل این پریشانی‌ها برای هر زوجی آسان نیست زیرا توان تحمل پریشانی و آشفتگی‌های هیجانی ناشی از پیمان‌شکنی زناشویی، می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی باشد. چگونگی رویاروشدن و مقابله با رویداد پیمان‌شکنی در زوجین به ویژگی‌هایی همچون تحمل پریشانی بستگی دارد (بندیکسن و کنایر<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۷) زیرا از عوامل تأثیرگذار بر چگونگی پاسخ‌گویی به بحران، ظرفیت افراد در تحمل پریشانی است (فیلیپس<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۱)، اعتقاد بر این است که تحمل پریشانی بر ارزیابی و پیامد ناشی از تجربه هیجانات منفی اثرگذار است به‌طوری که افرادی که تحمل پریشانی کمتری دارند با شدت بیشتری به تنش و پریشانی پاسخ می‌دهند (کرتز، استیون، مکحاق و بیجورگیوینسون<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۵). همچنین اعتقاد بر این است که این افراد توانایی کم و وضعی در رویارویی با تنش نسبت به پریشانی نشان می‌دهند و در نتیجه می‌کوشند با به‌کارگیری راهبردهایی که هدف آن‌ها کاهش حالات هیجانی منفی است از هیجانات منفی بپرهیزند (جفریز، مکلیش، کرامر، آوامون و فلمینگ<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۶). تحمل پریشانی، ظرفیت تجربه و تحمل کردن حالات روان‌شناختی منفی، تعریف می‌شود (پیرت<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۵). تحمل پریشانی، توانایی تحمل و قبول عواطف منفی است. در موارد بحرانی همچون عهدشکنی زناشویی اگر زوجین قادر به تسکین هیجانات منفی خود نباشند، تمامیت وجه درونی آنان به موضوع یا هیجان آشفته‌کننده جلب می‌شود و عملکردشان به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد (دورلی<sup>۱۶</sup>، ۲۰۱۹). تحمل پریشانی به‌عنوان ساختاری مهم در ایجاد بینشی جدید در مقابل شروع و تداوم آسیب‌های روانی و همچنین پیشگیری و درمان مشاهده شده است (لیرو<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۰). در واقع، تحمل پریشانی به ظرفیت تجربه و مقاومت در برابر ناراحتی اشاره می‌کند (دورلی، و همکاران، ۲۰۱۹) از جمله متغیرهای درون‌فردی مرتبط با

تحمل پریشانی روابط فرازنشویی، سرمایه روان‌شناختی است زیرا مطالعات نشان می‌دهد که سرمایه روان‌شناختی محافظ در برابر مشکلات روانی و هویتی فرد است (زو<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۷). تحقیقات نشان داده است در میان مؤلفه‌های روان‌شناختی، خوش‌بینی و امید، بیشترین محافظت را در مقابل تنش روان‌شناختی بین زوجین دارد. براساس وجود متغیرهای واسطه‌ای بین مؤلفه‌های روان‌شناختی و مشکلات هویتی است که این سؤال پیش می‌آید که آیا انعطاف‌پذیری روان‌شناختی ممکن است نقش مثبتی بر گرایش به روابط فرازنشویی و تحمل پریشانی هویتی زوجین داشته باشد. بر این اساس در راستای بررسی نقش انعطاف‌پذیری شناختی می‌توان گفت به نظر می‌رسد متغیر انعطاف‌پذیری شناختی می‌تواند در رابطه روان‌شناختی با تحمل پریشانی، نقش مهمی در کنترل این نوع سردرگمی در بین زوجین را داشته باشد. از آنجا که منظور از انعطاف‌پذیری میزان تغییراتی است که در نقش‌ها، قوانین، کنترل و انضباط خانواده وجود دارد (آلسون<sup>۱۹</sup>، ۲۰۰۰) انتظار می‌رود در تحمل پریشانی زوجین دچار پیمان‌شکنی و روابط فرازنشویی مؤثر باشند. انعطاف‌پذیری شناختی به میزان تجربه‌پذیری فرد در مقابل تجارب درونی و بیرونی اطلاق می‌شود. این ویژگی شخصیتی در افراد مختلف به درجات متفاوتی وجود دارد و نوع واکنش افراد را در مقابل تجارب جدید معین می‌کند (کاشدان و همکاران<sup>۲۰</sup>، ۲۰۱۰). انعطاف‌پذیری شناختی بیان می‌کند که انعطاف‌پذیری مستلزم توانایی برقراری ارتباط با لحظه حال و قدرت متمایزسازی خود از افکار و تجارب درون روانی است (مویترا و همکاران<sup>۲۱</sup>، ۲۰۱۶). افراد انعطاف‌پذیر درباره دنیای درونی و بیرونی کنجکاو هستند و زندگی آن‌ها از لحاظ تجربه غنی است. چون تجارب جدید را می‌پسندند و خواهان تجربه بیشتر هستند. آنها نه تنها از مواجهه با تجارب درونی و بیرونی اجتناب نمی‌کنند، بلکه حتی گاهی به دنبال کسب تجربیات جدید می‌روند (والسی و همکاران<sup>۲۲</sup>، ۲۰۱۵).

با توجه به ارتباط بین انعطاف‌پذیری شناختی با طلاق هیجانی (میکائیلی و همکاران، ۱۳۹۷) این احتمال مطرح است که برخورداری هرچه بیشتر از انعطاف‌پذیری شناختی منجر به مدیریت بهتر هیجانات و نیز حل مسئله در روابط زناشویی شود. به طوری که شاره و اسحاقی ثانی (۱۳۹۷) نشان دادند که انعطاف‌پذیری شناختی توان پیش‌بینی رضایت‌زناشویی را به صورت مثبت دارند. همچنین تحقیقات زیادی نشان دادند که انعطاف‌پذیری شناختی بر علائم اضطراب سلامتی و فشارهای روانی (هافمن، هالسیو، ایلنبرگ، جن سن و فروشلم<sup>۲۳</sup>، ۲۰۱۴؛ و ایلنبرگ، کرون استرند، فینک و فروشلم<sup>۲۴</sup>، ۲۰۱۳) و کاهش سطح استرس و افزایش سلامت عمومی (برینگ بورگ، میچانک، هسیر و بریچ لند<sup>۲۵</sup>، ۲۰۱۱؛ و فلکسمن و بوند<sup>۲۶</sup>، ۲۰۱۰) مؤثر است. با توجه به پژوهش‌های فوق به نظر می‌رسد انعطاف‌پذیری شناختی از جمله عوامل پیش‌بینی‌کننده گرایش به روابط فرازنشویی باشد. به هر حال علی‌رغم بررسی‌های ذکرشده راجع به رابطه انعطاف‌پذیری شناختی با گرایش به روابط فرازنشویی، نقش عوامل واسطه‌ای دخیل در این رابطه اغلب مورد غفلت واقع شده است که پژوهش حاضر نقش هویت من را به‌عنوان میانجی‌گر این ارتباط مورد بررسی قرار می‌دهد.

هویت شخصی مفهومی است که فرد از خود به‌عنوان یک شخص دارد و این مفهوم ناشی از تجربه، تداوم و تمایز یعنی خودهمانی در طی زمان و متمایز بودن از دیگران است (بروزنسکی و آدامز<sup>۲۷</sup>، ۱۹۹۹). هویت من احساسی است که از تبادل فرد با واقعیت اجتماعی خویش ناشی می‌شود و در پاسخ به تغییرات محیط اجتماعی تبدیل و تغییر می‌یابد (کروگر<sup>۲۸</sup>، ۲۰۰۴).

تحقیقات نشانگر آن است که سبک‌های هویت با مشکلات سازگاری، اختلال سلوک و بهزیستی روان‌شناختی (ولبوراس و بوسمان<sup>۲۹</sup>، ۲۰۰۵)، عزت نفس و مقابله موفقیت‌آمیز (نورمی و همکاران<sup>۳۰</sup>، ۱۹۹۷)، مشکلات رفتاری (آدامز و همکاران<sup>۳۱</sup>، ۲۰۰۵)، عملکرد در دانشگاه و انتظارات موفقیت (بوید و همکاران<sup>۳۲</sup>، ۲۰۰۳)، سازگاری با دانشگاه (لوپکس و همکاران<sup>۳۳</sup>، ۲۰۰۷)، مصرف مواد مخدر (موری و همکاران<sup>۳۴</sup>، ۲۰۰۷)، مصرف الکل و حمایت پدر (کولدول و همکاران<sup>۳۵</sup>، ۱۹۵۸)، حساسیت نسبت به پاداش و تنبیه (گودرز و شاملی، ۱۳۸۹)، خودکشی (محمدی و همکاران، ۱۳۹۰) و در نهایت عملکرد کلی خانواده (فرزانه خو و همکاران، ۱۳۸۸) هویت‌یابی عقیدتی و بین‌فردی دانشجویان (مک‌وند حسینی و همکاران، ۱۳۸۸) همبسته است.

کریمیان، حیدری و سالاری (۱۳۹۳) در پژوهش خود دریافتند که متغیرهای هویت اطلاعاتی و هویت سردرگم اجتنابی قادر به پیش‌بینی تعهد زناشویی در افراد است به طوری که با افزایش میزان سبک‌های هویتی اطلاعاتی، تعهد زناشویی افراد نیز افزایش می‌یابد. همچنین حیدری، کریمیان و سالاری (۱۳۹۴) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که هر قدر افراد ترس از صمیمیت کمتر و سبک‌های هویت کارآمدتری داشته باشند، وفاداری زناشویی بیشتری گزارش می‌کنند. تکلوی و زارع (۱۳۹۸) نشان دادند سبک اطلاعاتی هویت و تعهد، با توجیه روابط فرازناشویی رابطه مثبت و معنی‌دار دارد. همچنین سبک سردرگم اجتنابی هویت با توجیه روابط فرازناشویی رابطه منفی و معنی‌دار دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد سبک سردرگم اجتنابی، سبک تعهد، سبک اطلاعاتی به ترتیب با بیشترین ضریب تأثیر توانستند توجیه روابط فرازناشویی را پیش‌بینی کنند.

بنابراین، با اینکه بی‌وفایی و خیانت به همسر در نگاه اول پدیده‌ای فردی به نظر می‌رسد اما با توجه به عواقب ناگوار و پیامدهای سوء آن که نهاد خانواده و تربیت فرزندان و نیز سلامت و امنیت جامعه را دچار اختلال و آشفتگی می‌کند، باید این معضل را از آسیب‌های اجتماعی پنهان و بسیار جدی به شمار آوریم و سعی کنیم که پیش‌آیندهای آن را مورد بررسی قرار دهیم. بر همین اساس پژوهش حاضر با هدف تأثیر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بر گرایش به روابط فرازناشویی با نقش واسطه‌ای هویت من انجام گرفت.

## روش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی و با استفاده از روش آماری مدل‌یابی معادلات ساختاری<sup>۳۶</sup> انجام شد. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه زوجین شهر بیرجند و روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند بود و تعداد نمونه شامل ۱۹۲ زوج (۳۸۴ نفر) براساس ملاک‌های ورود به پژوهش (زوجینی که ۳ تا ۱۰ سال است که ازدواج کرده‌اند، تحصیلات حداقل دیپلم داشتند و مشکل جسمی و روانی خاصی نداشتند) جمع‌آوری شدند. پرسش‌نامه‌هایی که جهت جمع‌آوری اطلاعات از گروه نمونه در نظر گرفته شدند عبارت بودند از: پرسش‌نامه نگرش به روابط فرازناشویی واتلی (۲۰۰۶)، پرسش‌نامه انعطاف‌پذیری شناختی دنیس و وندورال<sup>۳۷</sup> (۲۰۱۰) و نسخه دوم پرسش‌نامه عینی گسترش‌یافته منزلت هویت من بنیون و آدامز (۱۹۸۶).

### نسخه دوم پرسش‌نامه عینی گسترش‌یافته منزلت هویت من (EOM-EIS-2). این پرسش‌نامه

توسط بنیون و آدامز (۱۹۸۶) ساخته شده است، و توسط رحیمی‌نژاد (۱۳۷۹) ترجمه و روی دانشجویان دوره کارشناسی بررسی شد. (به نقل از رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۳). نحوه پاسخ دادن به سؤالات براساس مقیاس شش درجه‌ای لیکرت با سه گزینه خیلی زیاد موافق، زیاد موافق، و موافق و سه گزینه مخالف، زیاد مخالف و خیلی زیاد مخالف در نظر گرفته شده است. بنیون و آدامز (۱۹۸۶)، ضریب آلفای کرونباخ را از ۰/۶۲ تا ۰/۸۰ افزایش دادند و پرسش‌نامه‌ای تحت عنوان نسخه دوم پرسش‌نامه عینی گسترش‌یافته منزلت هویت من تدوین کردند (به نقل از رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۳). هم‌چنین روایی همگرا - واگرایی چهار منزلت هویت مشابه در دو هویت عقیدتی و بین‌شخصی محاسبه شد و میزان آن از ۰/۳۸ تا ۰/۶۵ به دست آمد که بیانگر روایی همگرا - واگرایی این ابزار است.

**پرسش‌نامه نگرش به خیانت (روابط فرازشویی):** پرسش‌نامه نگرش به خیانت (روابط فرازشویی) پرسش‌نامه ATIS توسط مارک واتلی (۲۰۰۶) ساخته شده است. این پرسش‌نامه دارای ۱۲ گویه است. این پرسش‌نامه، بر درجه‌بندی پنج‌گانه لیکرت صورت‌بندی شده است. آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه در مطالعه عبداله‌زاده (۲۰۱۰) ۰/۸۴ تأیید شده است. جهت بررسی روایی این آزمون در ایران، از روایی ملاکی از (نوع واگرا) استفاده شده است. به همین منظور، پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت به کار گرفته شد. روایی واگرا با جهت‌گیری مذهبی درونی، ۰/۲۹ و با جهت‌گیری مذهبی بیرونی ۰/۱۶ به دست آمد (سیدعلی تبار و همکاران، ۱۳۹۱).

**پرسش‌نامه انعطاف‌پذیری شناختی:** پرسش‌نامه انعطاف‌پذیری شناختی را دنیس و وندورال (۲۰۱۰) ساخته‌اند. این پرسش‌نامه یک ابزار خودگزارش‌دهی کوتاه ۲۰ سؤالی است و برای سنجش انعطاف‌پذیری شناختی که در موفقیت فرد برای چالش و جایگزینی افکار ناکارآمد با افکار کارآمدتر لازم است، به کار می‌رود. نمره‌گذاری آن بر اساس مقیاس هفت‌درجه‌ای لیکرت از ۱ تا ۷ است که نمره بالاتر به معنای انعطاف‌پذیری شناختی بیشتر است (دنیس و وندورال، ۲۰۱۰). روایی هم‌زمان این پرسش‌نامه با پرسش‌نامه افسردگی بک برابر با ۰/۳۹ - و روایی واگرایی آن با مقیاس انعطاف‌پذیری شناختی مارتین و رابین، ۰/۷۵ گزارش شده است. این پژوهشگران پایایی به روش آلفای کرونباخ را برای کل مقیاس، ادراک کنترل‌پذیری و ادراک گزینه‌های مختلف به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۹۱ و ۰/۸۴ و با روش بازآزمایی به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۵ و ۰/۷۷ به دست آوردند.

برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها از مدل معادلات ساختاری (SEM) و آمار توصیفی مانند میانگین و انحراف معیار و آمار استنباطی و برای برازش الگوی فرضی با استفاده از شاخص‌های  $X^2$  میانگین مجذور پس‌ماندها (RMR)، شاخص برازندگی (GFI)، شاخص تعدیل برازندگی (AGFI)، شاخص نرم‌شده برازندگی (NFI)، شاخص نرم‌نشده برازندگی (NNFI)، شاخص برازندگی فزاینده (IFI)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) و شاخص مهم ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب RMSEA استفاده شده است.

### یافته‌ها

در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش آورده شده است.

جدول ۱: شاخص‌های مرکزی متغیرهای مورد بررسی در پژوهش

شاخص‌ها	انحراف معیار	میانگین	بیشترین مقدار	کمترین مقدار	تعداد
گرایش به روابط فرازنشویی	۹/۴۸۱۸۳	۵۹/۶۸۳۶	۱۰۳	۲۸	۳۸۴
هویت من	۳۵/۳۲۷۸۵	۲۳۳/۳۶۰۴	۳۷۰	۱۴۹	۳۸۴
انعطاف‌پذیری روان‌شناختی	۸/۳۳۲۳۳	۱۰۶/۴۰۵۹	۱۳۲	۸۷	۳۸۴

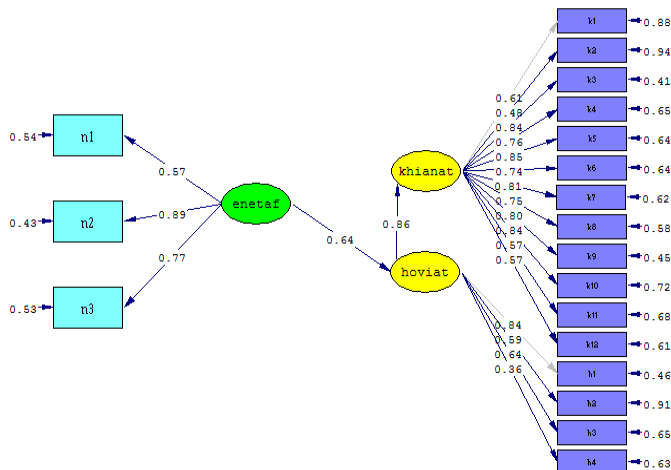
با توجه به جدول ۱ مشخص است که بیشترین میانگین مربوط به متغیر هویت و کمترین میانگین مربوط به متغیر خیانت بوده است.

جدول ۲: آزمون کولموگروف اسمیرنوف متغیرهای پژوهش

متغیرها	سطح معنی‌داری
گرایش به روابط فرازنشویی	۰/۰۹۸
هویت من	۰/۰۷۵
انعطاف‌پذیری روان‌شناختی	۰/۰۹۱

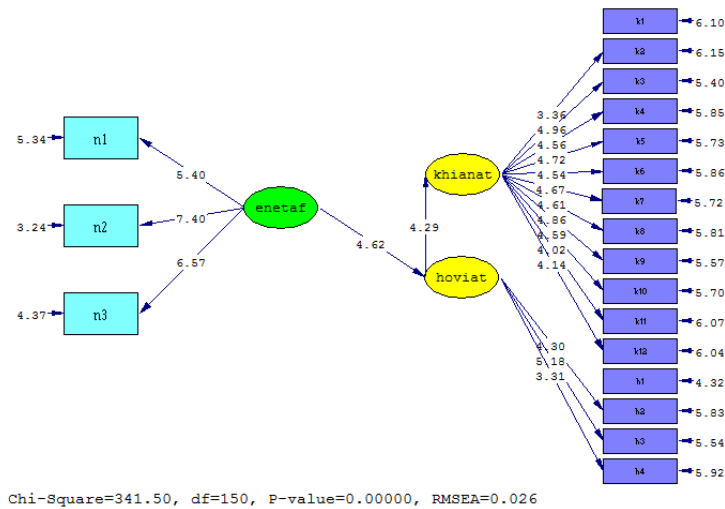
همان‌طور که از داده‌های جدول ۲ مشخص است، سطح معناداری آزمون کولموگروف- اسمیرنوف برای همه متغیرها بزرگ‌تر از مقدار ۰/۰۵ است. در نتیجه متغیرهای مورد بررسی در پژوهش حاضر دارای توزیع نرمال می‌باشند و برای اثبات فرضیات تحقیق می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

مدل اندازه‌گیری هر یک از این شیوه‌ها در مدل ۱ و ۲ آمده است. بر اساس این مدل اولیه مشخص می‌شود که همه مؤلفه‌ها دارای مقدار  $t$  بیش از ۱/۹۶ هستند و از این رو معرف‌های قابل قبولی به شمار می‌روند.



Chi-Square=341.50, df=150, P-value=0.00000, RMSEA=0.026

مدل ۱: ضرایب استاندارد مدل ساختاری



مدل ۲: مقدار t برای بررسی معنی‌داری پارامترهای مدل اندازه‌گیری

با توجه به نمودار بالا مشاهده می‌شود که مقادیر معنی‌داری برای تمامی شاخص‌های پرسش‌نامه بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد و در نتیجه تمامی شاخص‌ها معنادار هستند.

جدول ۳: شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری

مقدار برآورد شده	حد مطلوب	شاخص
۰/۰۱۱	تزدیک به صفر	میانگین مجذور پس‌ماندها RMR
۰/۰۰۹	تزدیک به صفر	میانگین مجذور پس‌ماندها استاندارد شده SRMR
۰/۹۰	در حدود ۰/۹	شاخص برازندگی GFI
۰/۹۸	در حدود ۰/۹	شاخص نرم‌شده برازندگی (NFI)
۰/۹۴	در حدود ۰/۹	شاخص نرم‌نشده برازندگی (NNFI)
۰/۹۰	در حدود ۰/۹	شاخص برازندگی فزاینده (IFI)
۰/۹۰	در حدود ۰/۹	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)
۰/۰۲۶	کمتر از ۰/۱	ریشه دوم برآورد واریانس خطا RMSEA

همان‌طور که مشخصه‌های برازندگی جدول نشان می‌دهد داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی و زیربنای نظری تحقیق برازش مناسبی دارد و این بیانگر اعتبار سازه است. مقادیر اثرات مستقیم متغیرها در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴: مقادیر اثرات مستقیم متغیرها در مدل ساختاری پژوهش

مقدار t	مقدار برآورد	اثر مستقیم متغیرها
-۳/۴۱	-۰/۵۴	انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بر گرایش به روابط فرازناشویی
۶/۶۸	۰/۴۰	انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بر هویت من
-۴/۷۳	-۰/۷۳	هویت من بر گرایش به روابط فرازناشویی



جدول ۴ حاکی از آن است که اثر مستقیم انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بر گرایش به روابط فرازنشویی، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بر هویت من، هویت من بر گرایش به روابط فرازنشویی با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ به لحاظ آماری معنادار است. ضرایب غیرمستقیم متغیرها در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: مقادیر اثرات غیر مستقیم متغیرها در مدل ساختاری پژوهش

مقدار t	مقدار برآورد	اثر غیرمستقیم متغیرها
۶/۶۸ + (-۴/۷۳)	۰/۴۰ + (-۰/۷۳)	انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بر گرایش به روابط فرازنشویی

جدول ۵ حاکی از آن است که اثر غیرمستقیم انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بر گرایش به روابط فرازنشویی با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ به لحاظ آماری معنادار است.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش تأثیر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بر گرایش به روابط فرازنشویی با نقش واسطه‌ای هویت من بود. در همین راستا، یافته‌های پژوهش را می‌توان از دو حیث مورد بحث و نتیجه‌گیری قرار داد: نخست اینکه یافته‌های مسیرهای مستقیم متغیرها را می‌توان در راستای نتایج مطالعات دیگر مقایسه کرد و دوم اینکه تأثیر غیرمستقیم انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بر گرایش به روابط فرازنشویی با نقش واسطه‌ای هویت من تفسیر و تبیین می‌شود. با توجه به جدول ۱ مشخص است که بیشترین میانگین مربوط به متغیر هویت و کمترین میانگین مربوط به متغیر خیانت بوده است. در بررسی اثر مستقیم متغیرها می‌توان گفت همان‌طور که نتایج مربوط به شاخص‌های برازندگی الگوی پژوهش در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، الگو برازش قابل قبولی داشت. مدل اندازه‌گیری هر یک از این شیوه‌ها در مدل ۱ و ۲ آمده است. بر اساس این مدل اولیه مشخص می‌شود که همه مؤلفه‌ها دارای مقدار t بیش از ۱/۹۶ و قابل قبول و تمامی شاخص‌ها معنادار هستند.

همان‌طور که مشخصه‌های برازندگی جدول نشان می‌دهد داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی و زیربنای نظری تحقیق برازش مناسبی دارد و این بیانگر اعتبار سازه است. جدول ۴ حاکی از آن است که اثر مستقیم انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بر گرایش به روابط فرازنشویی، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بر هویت من، هویت من بر گرایش به روابط فرازنشویی با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ به لحاظ آماری معنادار است. طبق جدول ۵ نیز اثر غیرمستقیم انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بر گرایش به روابط فرازنشویی با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ به لحاظ آماری معنادار است. لذا می‌توان گفت اثر منفی و مستقیم انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بر روابط فرازنشویی، اثر مثبت و مستقیم انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بر هویت من و اثر منفی و مستقیم هویت من بر روابط فرازنشویی و همچنین اثر غیرمستقیم انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بر گرایش به روابط فرازنشویی با نقش واسطه‌ای هویت من مورد تأیید قرار گرفته است. این یافته‌ها با پژوهش‌های تکلوی و زارع (۱۳۹۸)، میکائیلی و همکاران (۱۳۹۷) شماره و اسحاقی‌ثانی (۱۳۹۷)، حیدری و همکاران (۱۳۹۴)،

کریمیان و همکاران (۱۳۹۳) هافمن و همکاران (۲۰۱۴)، و ایلنبرگ و همکاران (۲۰۱۳)، برینگ بورگ و همکاران (۲۰۱۱)، و فلکسمن و بوند (۲۰۱۰) در یک راستا است.

در تبیین نقش واسطه‌ای هویت من در رابطه انعطاف‌پذیری روان‌شناختی با گرایش به روابط فرازنشویی می‌توان بیان داشت که یکی از عواملی که سبب سازگاری هرچه بیشتر انسان با نیازها و تهدیدهای زندگی است و با سلامت روان رابطه نزدیکی دارد، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی می‌باشد. انعطاف‌پذیری روان‌شناختی به توانایی افراد برای تمرکز بر موقعیت فعلی و استفاده از فرصت‌های آن موقعیت برای گام برداشتن در جهت اهداف و ارزش‌های درونی به رغم حضور رویدادهای روان‌شناختی چالش‌برانگیز یا ناخواسته اشاره دارد (هین، لوین، پلامپ - ویلاردگا، ویلیت و پیستورلا<sup>۳۸</sup>، ۲۰۱۳). افراد دارای انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بالا رفتارشان را در هر موقعیت، بیشتر بر اساس ارزش‌ها و اهدافشان و کمتر بر اساس رویدادهای درونی یا وابستگی‌های موقعیت فعلی‌شان نشان می‌دهند (بوند و همکاران<sup>۳۹</sup>، ۲۰۱۱؛ کاتز، زیچ و اورسیلو<sup>۴۰</sup>، ۲۰۱۴).

نتایج پژوهش‌های مهین‌ترابی (۱۳۹۰) و اپستین، چن و بیدر کامجو<sup>۴۱</sup> (۲۰۰۵) نشان داده است که انعطاف‌پذیری روان‌شناختی پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری برای کیفیت روابط زناشویی است. همچنین صداقت‌خواه و بهزادی‌پور (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان «پیش‌بینی کیفیت روابط زناشویی بر اساس باورهای ارتباطی، ذهن‌آگاهی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی» نشان داد که انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بیشترین تأثیر را در پیش‌بینی کیفیت روابط زناشویی دارد. رشد هویت به کشف و تمایز ارزش‌ها و استانداردهایی منجر می‌شود که برای خود، مهم هستند و با یک دوره یکپارچه‌سازی دنبال می‌شود. از نظر اریکسون<sup>۴۲</sup> جست‌وجوی هویت در خدمت کارکرد یکپارچه‌سازی نیروی خود است که تا دوره جوانی برای حمایت از صمیمیت و تعهد در روابط جنسی و عملکردهای تکوینی دیگر ادامه می‌یابد (اریکسون، ۱۹۶۳) افراد با هویت من‌بالا تر، مهارت‌های مدیریت زندگی را می‌شناسند، در برابر افرادی با دیدگاه‌ها و سلیقه‌های متفاوت، انعطاف‌پذیر هستند و شکیبایی از خود نشان می‌دهند، و در نتیجه، روابط صمیمانه بیشتری را شکل می‌دهند، و یا اطرافیان و همسر خود تعامل بهتری دارند. آن‌ها از استقلال عاطفی برخوردارند و کمتر در جست‌وجوی تأیید دیگران هستند و نسبت به خود اطمینان دارند. در نتیجه، به راحتی می‌توانند با دیگران ارتباط برقرار کنند بدون آنکه استقلال و خودمختاری خود را از دست بدهند از حمایت عاطفی آنان برخوردار شوند. اما افرادی که هویت روشن و مشخصی ندارند از اینکه خود واقعی‌شان را در رابطه صمیمانه از دست بدهند نگران‌اند، بنابراین گاهی طلاق و شکستن تعهد را به عنوان راهی جهت دستیابی به هویت متمایز و دفاع از خود اصلی‌شان انتخاب می‌کنند (هاروی ۲۰۰۲) وفاداری پیش‌شرط لازم برای یک زندگی زناشویی پایدار است. رشد مزرهای صمیمی با دیگران، نگرانی درباره نسل‌های آینده و درک زندگی بدون دستیابی به درک واضحی از هویت غیرممکن است. در نتیجه شاید بتوان گفت شناخت سبک هویتی هر فرد و میزان انعطاف‌پذیری شناختی وی می‌تواند پیش‌بین قابل قبولی برای کیفیت رابطه در آینده باشد اگرچه نمی‌توان به طور قطع در زمینه مسائل روان‌شناختی اظهار نظر کرد ولی تأثیر مؤلفه‌های هویتی بر نحوه حضور و برخورد هر فرد در موقعیت‌های چالش‌برانگیز زندگی، منطقی و معقول به نظر می‌رسد به علاوه اینکه با بررسی موشکافانه بسیاری از افراد درگیر روابط فرازنشویی می‌توان سرنخ‌های محکمی از تأثیر این دو متغیر در گرایش افراد به روابط زناشویی به دست آورد. یکی از اصلی‌ترین عوامل این نوع روابط را می‌توان در بررسی متغیر سن زوجین نسبت به هم

پیدا نمود. زمانی که زن و شوهر با هم در یک سن هستند طبیعتاً تجربیات زندگی آنها یکسان است. این افراد وقایع و رویدادهای تاریخی و اجتماعی یکسانی را تجربه کرده‌اند مخصوصاً زمانی که زن و شوهر اهل یک اقلیم و جغرافیا باشند و فرهنگ و مذهب یکسانی را نیز داشته باشند. آن‌ها تا حدودی کالبد هویتی هم‌شکلی دارند. در این شکل زندگی مرد و زن نمی‌توانند زیاد رشددهنده باشند و باعث تعالی و پیشرفت یکدیگر بشوند در بین زوج‌های همسن حس انعطاف‌پذیری بیشتر حکم‌فرماست. تصمیم‌گیری‌ها مستبدانه و قلدرمآبانه نیست و طرفین این قابلیت را دارند که در سختی‌ها و تصمیم‌گیری‌های زندگی انعطاف‌پذیری بیشتری داشته و خود را با شرایط موجود وفق دهند. زنان و مردانی که در یک سن با هم ازدواج می‌کنند از لحاظ تفاهم عاطفی، روحی، فکری، اجتماعی و جنسی بیشتر با هم تفاهم دارند. این افراد یکدیگر را بهتر درک می‌کنند و زندگی زن و شوهری آنان کمتر دچار مشکل می‌گردد.

از آنجایی که هر پژوهش دارای محدودیت‌هایی است، پژوهش حاضر نیز از آن مستثنی نبوده است. در نتیجه در تعمیم نتایج پژوهش بایستی جانب احتیاط را رعایت کرد چراکه نتایج تحقیق از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر با توجه به ویژگی‌های خاص هر جامعه متفاوت می‌شود. پیشنهاد می‌شود که انجام پژوهش با حجم نمونه بزرگ‌تر و محدوده جغرافیایی وسیع‌تر انجام گیرد تا ادبیات وسیع‌تر و منسجم‌تری در خصوص نحوه به کارگیری متغیرهای ذکرشده فراهم آید. همچنین در این پژوهش به منظور زمینه‌یابی از پرسش‌نامه استفاده گردید، در نتیجه ممکن است برخی از افراد از ارائه پاسخ واقعی خودداری کرده و پاسخ غیرواقعی داده باشند. از محدودیت‌های دیگر این طرح می‌توان به ویژگی‌های فردی، خصوصیات روحی و روانی، و نیز تفاوت‌های زندگی، فرهنگی و اجتماعی نمونه‌های مورد پژوهش اشاره نمود که بر پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و بر نتایج پژوهش تأثیرگذار است، که کنترل این عوامل از عهده پژوهشگر خارج بود.

از یافته‌های این پژوهش می‌توان در مشاوره‌های قبل از ازدواج، مشاوره خانواده و مشاوره‌های فردی برای شناسایی افراد در معرض روابط فزاینده استفاده شود. همچنین می‌توان کارگاه‌های آموزشی در مراکز مشاوره به منظور بالا بردن انعطاف‌پذیری روان‌شناختی برای زوجین برگزار کرد.

#### پی‌نوشت‌ها

1. Goldenberg, Irene & Goldenberg
2. Glass & Wright
3. Shackelford
4. Johnson
5. Johnson & et al
6. Wearden
7. Omarzu & et al
8. Baucom & et al
9. Wiederman & Hurd
10. Fricker
11. Bendixen. & Kennair
23. Hoffmann, Halsboe, Eilenberg, Jensen & Frostholm
24. Eilenberg, Kronstrand, Fink, & Frostholm
25. Brinkborg, Michanek, Hesser & Berglund
26. Flaxman & Bond
27. Berzonsky & Adams
28. Kroger
29. Vleioras & Bosma
30. Nurmi & et al

- |  |   |
|--|---|
| 12. Phillips                                       | 31. Adams & et al   |
| 13. Kertz, Stevens, McHugh & Björgevinnsson        | 32. Boyd & et al  |
| 14. Jeffries, McLeish, Kraemer, Avallone & Fleming | 33. Luyckx & et al  |
| 15. Pearte   | 34. Mori  |
| 16. Doorley  | 35. Coldwell & et al                                      |
| 17. Leyro  | 36. Structural Equation Modeling (SEM)                    |
| 18. Zhou   | 37. Dennis & Vander Wal                                   |
| 19. Olson  | 38. Hayes, Levin, Plumb-Villardaga, Villatte & Pistorello |
| 20. Kashdan & et al                                | 39. Bond & et al  |
| 21. Moitra & et al                                 | 40. Katz, Czech & Orsillo                                 |
| 22. Wallace & et al                                | 41. Epstein, Chen & Beyder, Kamjou                        |
|  | 42. Erikson   |

## منابع

- حیدری، ح. کریمیان، ن. سالاری، س. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین ترس از صمیمیت و سبک‌های هویتی با تعهد زناشویی افراد متأهل. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۱(۴۱)، ۷۳-۸۶.
- سید علی تبار، س. حبیبی، م و پوراوری، م. (۱۳۹۳). بررسی روایی و پایایی مقیاس نگرش به روابط فرازناشویی. *کنگره ملی آسیب‌شناختی خانواده*، دوره ۶، تهران، پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی.
- رحیمی نژاد، ع. (۱۳۹۳). ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه سنجش عینی منزلت هویت من در نوجوانان. *نشریه روان‌شناسی معاصر*، ۹(۱۸)، ۴۹-۶۲.
- شاره ح، اسحاقی ثانی، م. (۱۳۹۷). نقش پیش‌بین شخصیت بامدادی‌شامگاهی، انعطاف‌پذیری شناختی و تنظیم شناختی هیجان در رضایت زناشویی زنان میانسال. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۲۴(۴)، ۳۸۴-۳۹۹.
- شاره، ح.، فرمانی، ا.، و سلطانی، ا. (۱۳۹۳). بررسی اعتبار و روایی پرسش‌نامه انعطاف‌پذیری شناختی (CFI-I) در بین دانشجویان ایرانی. *فصلنامه روان‌شناسی بالینی*، ۲(۱)، ۴۳-۵۰.
- صداقت‌خواه، ع.، و بهزادی‌پور، س (۱۳۹۶). پیش‌بینی کیفیت روابط زناشویی براساس باورهای ارتباطی، ذهن‌آگاهی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در فرهنگ ایرانی. *اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگی، آسیب‌شناسی روانی و تربیت، تهران، دانشگاه الزهراء*.
- کاوه، س. (۱۳۸۳). *روان‌شناسی بی‌وفایی و خیانت: شناسایی، بررسی و تحلیل بی‌وفایی و خیانت همسران*. تهران: سرای اندیشه.
- کریمیان، ن.، حیدری، ح.، و سالاری، س. (۱۳۹۴). تبیین تعهد زناشویی زنان و مردان متأهل براساس سبک‌های هویتی و ترس از صمیمیت. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۳(۱۱)، ۶۵-۷۹.
- گلدنبرگ، ای و گلدنبرگ، ه. (۲۰۰۰). *خانواده‌درمانی*. ترجمه حسین شاهی برواتی و سیامک نقش‌بندی (۱۳۹۵). تهران: نشر روان.
- گودرزی، م.ع و شاملی، ل. (۱۳۸۹). پیش‌بینی سبک‌های هویت بر اساس حساسیت نسبت به پاداش و تنبیه. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۴(۱۵)، ۹-۸۱.
- مهبین‌ترابی، س.، مظاهری، م.ع، صاحبی، ع.، و موسوی، و. (۱۳۹۰). تأثیر آموزش‌های شناختی - رفتاری بر تعدیل انتظارات غیرمنطقی، بلوغ عاطفی و ناراضی‌ت زناشویی در زنان. *مجله علوم رفتاری*، ۲(۵)، ۱۳۳-۱۲۷.

میکائیلی، ن.، رحیمی، س.، و صداقت، م. (۱۳۹۷). نقش الگوهای ارتباطی خانواده، ساختار انگیزشی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در پیش‌بینی طلاق هیجانی زوجین. *آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۴(۷)، ۱۶-۱.

هاروی، م. (۱۳۸۸). *کتاب جامع زوج‌درمانی*، ترجمه: خدابخش احمدی و همکاران. چاپ اول، تهران: انتشارات دانژه.

- Adams, G. R, Munro, B, Munro, G, Doherty-Poirer, M & Edwards, J, (2005). Identity processing styles and Canadian adolescents' self-reported delinquency, *Identity*, ( 5), 57-65.
- Baucom, D.H., D. K. Snyder, & K.C. (2009). Gordon, *helping couples get past the affair: a clinician's guide*, New York: Guilford Press.
- Bendixen, M. & Kennair, L. E. O. (2017). Advances in the understanding of same-sex and opposite-sex sexual harassment. *Evolution and Human Behavior*, 38(5), 583-591
- Berzonsky MD, Adams GR. (1999). Reevaluating the identity status paradigm: Still useful after 35 years. *Deve Rev*; 19(4):557-90.
- Bond, F. W., Hayes, S. C., Baer, R. A., Carpenter, K. M., Guenole, N., Orcutt, H. K., Zettle, R. D. (2011). Preliminary psychometric properties of the Acceptance and Action Questionnaire-II: A revised measure of psychological inflexibility and experiential avoidance. *Behavior Therapy*, 42(4), 676-688.
- Boyd VS, Hunt PF, Kandell JJ, Lucas MS. (2003). Relationship between identity processing style and academic success in undergraduate students. *J College Student Dev*; 44(2), 155-67.
- Brinkborg, H., Michanek, J., Hesser, H., & Berglund, G. (2011). Acceptance and commitment therapy for the treatment of stress among social workers: A randomized controlled trial. *Behavior Research and Therapy*, 49, 6-7, 389-398.
- Coldwell B, Penner D, Smith H, Lucas G, Rodgers R, Darroch, F. (1958). Effect of ingestion of distilled spirits on automobile driving skill. *Q J Stud Alcohol*, 19(4), 590-616.
- Dennis JP, Vander Wal JS. The cognitive flexibility inventory: Instrument development and estimates of reliability and validity. *Cognitive Therapy and Research*. 2010; 34(3), 241-53.
- Doorley, J. D. Kashdan, T. B. Alexander, L. A. Blalock, D. V. & McKnight, P. E. (2019). Distress tolerance in romantic relationships: A daily diary exploration with methodological considerations. *Motivation and Emotion*, 43(3), 505-516
- Eilenberg, T., Kronstrand, L., Fink, P., & Frostholm, L.(2013). Acceptance and commitment group therapy for health anxiety – Results from a pilot study. *Journal of Anxiety Disorders*, 27( 5), 461-468.
- Epstein, N. B., Chen, F., & Beyder, Kamjou, I. (2005). Relationship standards and marital satisfaction in Chinese and American couples. *Journal of Marital and family Therapy*, 31(1), 59-74.
- Erikson, E. (1963). *Identity: Youth and Crisis*. New York: Norton.
- Flaxman, P.E., & Bond, F. W. (2010). A randomized worksite comparison of acceptance and commitment therapy and stress inoculation training. *Behavior Research and Therapy*, 48( 8): 816-820.
- Fricker J. (2006). *Predicting Infidelity: The Role of Attachment Styles, Love styles, and the Investment Model* [Thesis]. Hawthorn, Australia: Swinburne University of Technology.
- Glass, S. P., & Wright, T. L. (1997). Reconstructing marriages after the trauma of infidelity. In W. K. Halford & H. J. Markman (Eds.), *Clinical handbook of marriage and couple's interventions* (pp. 471-507)
- Goldenberg, Irene and Goldenberg, Herbert. (2000). *Family Therapy*. Translated by Hossein Shahi Borouati and Siamak Naghshbandi (2016). Thirteenth Edition, Tehran: Ravan Publishing.

- Goodarzi, M.A. and Shamli, L. (1389). "Predicting Identity Styles Based on Sensitivity to Rewards and Punishment." *Journal of Applied Psychology, Volume 4, Number 3 (Series 15)*: 9-81.
- Harvey, Michael. (1388). *Comprehensive book on couple therapy*, translated by Khodabakhsh Ahmadi et al. First Edition, Tehran: Danjeh Publications [in Persian].
- Heidari, Hossein Karimian, Nader, Salari, Samaneh. (2015). "A Study of the Relationship between Fear of Intimacy and Identity Styles with Marital Commitment of Married People." *Journal of Family Studies, 11 (41)*, 76-83 [in Persian].
- Hayes, S. C., Levin, M. E., Plumb-Villardaga, J., Villatte, J. L., & Pistorello, J. (2013). Acceptance and commitment therapy and contextual behavioral science: Examining the progress of a distinctive model of behavioral and cognitive therapy. *Behavior therapy, 44(2)*, 180-198.
- Hoffmann, D., Halsboe, L., Eilenberg, T., Jensen, J., & Frosthalm, L. (2014). A pilot study of processes of change in group-based acceptance and commitment therapy for health anxiety. *Journal of Contextual Behavioral Science, 3(3)*: 189-195.
- Jeffries, E. R., McLeish, A. C., Kraemer, K. M., Avallone, K. M., & Fleming, J. B. (2016). The role of distress tolerance in the use of specific emotion regulation strategies. *Behavior Modification, 40(3)*, 439-451
- Johnson, C. B. (2014). *The roles of commitment and attributions on uninvolved partner responses to imagined sexual infidelity* (Doctoral dissertation)
- Johnson, C. A., Stanley, S. M., Glenn, N. D., Amato, P. R., Nock, S. L., Markman, H. J., & Dion, M. R. (2002). *Marriage in Oklahoma: 2001 baseline statewide survey on marriage and divorce*. Bureau for Social research, Oklahoma State University.
- Kaveh, Saeed. (1383). *Psychology of Insecurity and Betrayal: Identifying, Investigating and Analyzing the Infidelity and Betrayal of Spouses*. Tehran: Andisheh House [in Persian].
- Karimian, Nader; Heydari, Hossein and Salari, Samaneh. (1394). "Explaining the marital commitment of married men and women based on identity styles and fear of intimacy." *Family Research Quarterly, 3 (11)*, 65-79 [in Persian].
- Kashdan, T. B., & Rottenberg, J. (2010). Psychological flexibility as a fundamental aspect of health. *Clinical psychology review, 30(7)*, 865-878.
- Katz, A. M., Czech, S. J., & Orsillo, S. M. (2014). Putting values into words: An examination of the text characteristics of values articulation. *Journal of Contextual Behavioral Science, 3(1)*, 16-20.
- Kertz, S. J., Stevens, K. T., McHugh, R. K., & Björngvinsson, T. (2015). Distress intolerance and worry: the mediating role of cognitive variables. *Anxiety, Stress, & Coping, 28(4)*, 408-424.
- Kroger J. (2004). *Identity in adolescence: The balance between self and other*: Psychology Press.
- Leyro, T. M. Zvolensky, M. J. & Bernstein, A. (2010). Distress tolerance and psychopathological symptoms and disorders: a review of the empirical literature among adults. *Psychological bulletin, 136(4)*, 576
- Luyckx K, Soenens B, Berzonsky MD, Smits I, Goossens L, Vansteenkiste M.(2007). Information-oriented identity processing, identity consolidation, and well-being: The moderating role of autonomy, self-reflection, and self-rumination. *Pers Individ Diff. 43(5)*: 109-111.
- Mahin Torabi, Somayeh, Mazaheri, Mohammad Ali, Sahebi, Ali, and Mousavi, Seyed. Valiyollah. (1390). "The effect of cognitive-behavioral training on adjusting irrational expectations, emotional maturity and marital dissatisfaction in women". *Journal of Behavioral Sciences, 2 (5)*, 127-133 [in Persian].

- Mikaeli, Niloufar; Rahimi, Saeed and Sedaghat, Mehrnaz (1397). "The Role of Family Communication Patterns, Motivational Structure, and Psychological Flexibility in Predicting Couples' Emotional Divorce." *Pathology, Family Counseling and Enrichment*, 4, 1 (consecutive 7): 16-1 [in Persian].
- Moitra E, Gaudiano BA. A psychological flexibility model of medication adherence in psychotic-spectrum disorders. *J Context Behav Sci*. 2016;5(4):252-7.
- Mori L, Panova A, Keo Z, Cheung C, Stokes J. (2007). Ego identity and substance use of ethnically diverse college students. *Psychol J*;4(4):71-85.
- Nurmi JE, Berzonsky MD, Tammi K, Kinney A. (1997). Identity processing orientation, cognitive and behavioural strategies and well-being. *Int J Behav Dev*; 21(3):555-70.
- Olson, D. H. (2000). Circumplex model of marital and systems. *Journal of family therapy*, 22(2), 144-167.
- Omarzu, J. (2012). Motivations and Emotional Consequences Related to Engaging in Extramarital Relationships. *Int J Sex Health*; 24(2): 154-162.
- Pearte, C. (2015). Temperament, emotion regulation, and distress tolerance as related correlates of psychological symptoms.
- Phillips, E. L. (2011). *Resilience, Mental Flexibility, and Cortisol Response to the Montreal Imaging Stress Task in Unemployed Men* (Doctoral dissertation)
- Rahimi Nejad, A. (1393). "Psychometric characteristics of the objective assessment questionnaire of adolescents' identity status". *Journal of Contemporary Psychology*, Volume 9, Number 2 (18), 62-49[in Persian].
- Seyed Ali Tabar, S., Habibi, M. And Pourauri, M. (2014). "Investigating the validity and reliability of the attitude scale approach to transnational relations", *National Congress of Family Pathology (Family Studies)*, Volume 6, Tehran, Shahid Beheshti University Family Research Institute [in Persian].
- Sedaghatkhan, Atefeh, and Behzadipour, Sareh. (2017). "Predicting the Quality of Marital Relationships Based on Communication Beliefs, Mindfulness, and Psychological Flexibility in Iranian Culture." *First International Conference on Cultural, Psychological Pathology and Education*, Tehran, Al-Zahra University [in Persian].
- Shackelford, T. K., Besser, A., Goetz, A. T.(2008). Personality, Marital Satisfaction, and Probability of Marital Infidelity. *journal of Individual Differences Research*. 6: 13-25.
- Share Hossein, Ishaqi Thani Maryam (1397). "The Predictive Role of Morning Characterization, Cognitive Flexibility, and Cognitive Emotion Regulation in the Marital Satisfaction of Middle-aged Women." *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*. 24 (4), 384-399. [in Persian].
- Share, Hussein; Farmani, Azam and Soltani, Ismail. (1393). "Study of validity and validity of Cognitive Flexibility Questionnaire (CFI-I) among Iranian students". *Quarterly Journal of Clinical Psychology*. 2 (1): 43-50 [in Persian].
- Vleioras, G & Bosma,H.A, (2005). Are identity styles important for psychological well-being? *Journal of Adolescence*, 28, 397-409.
- Wiederman MW, Hurd C. (1999). Extra dyadic Involvement during Dating. *Journal of Social and Personal Relationships*; 16(2): 265-74.
- Zhou, H., Peng, J., Wang, D., Kou, L., Chen, F., Ye, M., & Liao, S. (2017). Mediating effect of coping styles on the association between psychological capital and psychological distress among Chinese nurses. *Journal of psychiatric and mental health nursing*, 24(3), 114-122.